

یهودستیزی، نظریه‌ی توطئه و پروتکل‌های بزرگان صهیون

کریستوفر پارتریج و ران جیوز

درآمد: چگونه یک کتاب، که مدت‌ها پیش ثابت شده یک سرقت ادبی است، می‌تواند الهام بخش گروه بزرگی از مردمان، روحانیون و سیاستمداران بشود؟ یهودستیزی، نظریه‌ی توطئه و ظهور کشوری به نام اسرائیل چگونه به هم ربط پیدا می‌کنند؟ نویسندگان مقاله ضمن بررسی جنبه‌های گوناگون کتاب **پروتکل‌ها**، رد پای آن را در اکثر جریانات یهودستیزی حتی در قرن بیست و یکم نمایان می‌کنند.

در سال ۱۹۳۹، آنری رُن، پژوهشگر فرانسوی یهودستیزی، گفت که احتمالاً پروتکل‌های بزرگان صهیون از لحاظ گستردگی پخش دومین اثر پس از کتاب مقدس در جهان است. در واقع به استثنای عبری و چند زبان دیگر، این کتاب به همه‌ی زبان‌ها ترجمه شده است. به نظر رُن، این اثر جعلی نمونه‌ی ناب «افسانه‌ی توطئه‌ی جهانی یهودیان» است. این اثر ظاهراً متن سخنرانی‌ها یا یادداشت‌هایی از سخنرانی‌هایی است که در ۲۴ جلسه‌ی کنگره‌ی نمایندگان «دوازده سبط بنی اسرائیل»، بزرگان صهیون، ارائه شده است. چاپ نخست این کتاب جعلی، از ریاست خاخام اعظم بر این جلسات سخن می‌گوید اما در یکی از چاپ‌های بعدی می‌خوانیم که بنیان‌گذار صهیونیسم مدرن، تئودور هرتسل، ریاست این کنگره را بر عهده داشته است. ظاهراً هدف از برگزاری این کنگره دسیسه‌چینی برای سلطه‌ی یهودیان بر جهان و انقیاد غیر یهودیان بوده است. ارائه‌ی چکیده‌ای از این اثر جعلی آسان نیست اما می‌توان گفت که نسخه‌ی رایج این کتاب سه مضمون اصلی دارد: نقد لیبرالیسم، شرح روش‌های یهودیان برای چنگ انداختن بر جهان، و توصیف دولت جهانی‌ای که بزرگان صهیون رؤیای تأسیس آن را در سر می‌پروراند.

^۱ کریستوفر پارتریج استاد مطالعات ادیان در دانشگاه لنکستر در انگلستان است. از میان کتاب‌های او سیری در ادیان جهان به فارسی ترجمه شده است.

ران جیوز استاد بازنشسته‌ی مطالعات تطبیقی ادیان در دانشگاه لیورپول در انگلستان است. این متن ترجمه‌ی مقاله‌ی زیر است:

Christopher Partridge and Ron Geaves, Antisemitism, conspiracy culture, Christianity, and Islam: the history and contemporary religious significance of the Protocols of the Learned Elders of Zion

از کتاب:

The Invention Of Sacred Tradition, Edited By James R. Lewis And Olav Hammer, Cambridge University Press, 2007. PP 75-95.

^۲ نخستین بار سرگئی نیلوس «نسخه‌ی کامل» این اثر را در سال ۱۹۰۵ منتشر کرد، نسخه‌ای که اکثر نسخه‌های فعلی بر آن استوارند. بعدها او ادعا کرد که هرتسل «در کنگره‌ی صهیونیستی در بازل» (اوت ۱۸۹۷) این پروتکل‌ها را به بزرگان صهیون ارائه داد. اما نه تنها هیچ یک از شواهد تاریخی ارتباط میان هرتسل، بازل، کنگره‌ی صهیونیستی و پروتکل‌ها را تأیید نمی‌کند بلکه باید پرسید چرا نیلوس این ادعا را نه در چاپ‌های نخست این کتاب بلکه در چاپ سال ۱۹۱۷ مطرح کرد.

به نظر ریچارد لوی، این اثر «سرم‌بندی شتاب‌زده‌ی چند نوشته‌ی نامربوط قدیمی‌تر» است که پلیس مخفی روسیه آن را در سال ۱۹۰۳ به منظور تقویت جایگاه تزار نیکلای دوم در روزنامه‌های روسیه منتشر کرد. بر خلاف انتظار، چنین اثر جعلی مضحکی نه تنها به سرعت بی‌اعتبار نشد بلکه مضامین دوگانه‌ی آن، یعنی توطئه و یهودستیزی، توجه بسیاری از خوانندگان و مترجمان را به خود جلب کرد. این اثر نه تنها یکی از عوامل کشتار یهودیان در قرن بیستم بود بلکه به جزء جدایی‌ناپذیری از خرده‌فرهنگ‌های مسیحیت دست‌راستی و اسلام تندرو تبدیل شده است. هر چند جعلی بودن پروتکل‌ها ثابت شده اما انتشار و توزیع آن ادامه یافته است. برای مثال، در سال ۲۰۰۲، به رغم مخالفت‌های بین‌المللی، شبکه‌های تلویزیونی در سراسر جهان عرب مجموعه‌ی چهل و یک قسمتی مصری‌ای را پخش کردند که مبتنی بر این اثر بود. چند دهه‌ی قبل، طی جنگ اعراب و اسرائیل، ناصر، رئیس‌جمهور مصر، به طور علنی این اثر را تأیید کرد. چندی قبل، کنت تیمرمن فرصت یافت تا با چند روحانی تندرو مسلمان در غزه، اردن و سوریه مصاحبه کند. خاخام آبراهام کوپر، از مرکز سایمن ویستال در لس آنجلس، از تیمرمن خواست که نظر این روحانیون را درباره‌ی پروتکل‌ها جویا شود. تیمرمن در کمال حیرت دریافت که این روحانیون نه تنها همگی به دروغ‌های یهودستیزانه‌ی پروتکل‌ها باور دارند بلکه بعضی از آنها می‌خواستند کتاب را به او نشان دهند تا صحت محتویاتش را به وی ثابت کنند. افزون بر این، اکثر آنها شایعات بی‌اساسی را به عنوان سند و مدرک توطئه‌ی «یهودیان جهان» برای سلطه بر جهان و نابودی اسلام نقل می‌کردند.

بنابراین، عجیب نیست که پروتکل‌ها را می‌توان در کتاب‌فروشی‌های پایتخت‌های کشورهای عربی یافت. بعضی از سازمان‌های مسیحی دست‌راستی، از جمله «مدافعین ایمان مسیحی»، هم از انتشار این اثر جعلی استقبال کرده‌اند. در سال ۱۹۶۳، در پی مذاکرات شورای واتیکان درباره‌ی اتخاذ رویکرد جدیدی به یهودیان، موجی از تبلیغات یهودستیزانه در اسپانیا به راه افتاد و ویراست جدیدی از پروتکل‌ها با شرح و تفسیر فراوان منتشر شد.

شیطان، دجال، ایلومیناتی و توطئه‌ی جهانی یهودیان

در اروپای قرون وسطی نه تنها نفرت از یهودیان فراگیر بود بلکه شایعاتی درباره‌ی شیطان‌پرستی آنها رواج داشت. یکی از دستاوردهای جنبش یهودستیزی در نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم احیای این شایعات منسوخ بود. به طور خاص می‌توان به انتشار رمان بیاریتز اثر سِر جان رتکلیف (نام مستعار هرمن گدسکه، نویسنده‌ی پروسی) در سال ۱۸۶۸ اشاره کرد که الهام‌بخش پروتکل‌ها شد. فصل «در گورستان یهودی در پراگ» به جلسه‌ی سرّی شبانه‌ای هنگام عید سوکوت می‌پردازد. طی یک ساعت، سیزده یهودی یکی پس از دیگری به گورستان داخل می‌شوند، دعایی را زمزمه می‌کنند و کنار قبری زانو می‌زنند. زانو زدن سیزدهمین نفر درست مقارن با نیمه‌شب است. صدای تندوتیزی از قبر برمی‌خیزد، شعله‌ای آبی‌رنگ پدیدار می‌شود و چهره‌ی این سیزده نفر را روشن می‌کند. صدایی خشک می‌گوید،

^۳ این عید که به عید خیمه‌ها یا سایبان‌ها نیز شهرت دارد یادآور خروج بنی‌اسرائیل از مصر است. این عید پنج روز پس از روزه‌ی کیپور شروع می‌شود و هفت روز ادامه دارد.

«دروود بر شما، رؤسای اسباط دوازده‌گانه‌ی بنی‌اسرائیل». [سیزدهمین نفر نماینده‌ی «نگون‌بختان و تبعیدیان» است.] این سیزده نفر در پاسخ به شیطان می‌گویند، «دروود بر تو، پسر ملعون خدا». در این جلسه، رهبران یهودی و شیطان برای سلطه بر جهان نقشه می‌کشند. سرانجام، شیطان به صورت گوساله‌ی سامری مخوفی بر آنها ظاهر می‌شود و جلسه پایان می‌یابد. اندکی پس از انتشار این رمان، «کتاب مقدس یهودستیزی مدرن»، **یهودی، یهودیت و یهودی‌سازی مسیحیان (۱۸۶۹)** اثر گوژنو دِ موسو منتشر شد. شیطان در این کتاب نقشی مهم دارد زیرا گوژنو دِ موسو متقاعد شده که انجمنی مخفی از شیطان‌پرستان، که نویسنده آنها را «یهودیان کابالایی» می‌خواند، در پی چنگ انداختن بر دنیایند. هدف اصلی گوژنو دِ موسو افشای دجال است که به عقیده‌ی او یهودی است.

علاوه بر جریان فکری یهودستیزانه‌ای که بر رابطه‌ی میان یهودیان، شیطان و دجال تأکید می‌کرد، گروه دیگری صرفاً از نقشه‌های سیاسی جهانی یهودیان سخن می‌گفتند. جزوه‌ی **در گورستان یهودی در پراگ** چک که هفت سال پس از آثار پیش‌گفته منتشر شد، اقتباسی آشکار از **بیاریتزو** بود اما چنین وانمود می‌شد که گزارشی خبری است. از دیگر آثار مهم یهودستیزانه می‌توان از **سخنرانی خاخام** نام برد که ظاهراً سخنرانی خاخام اعظمی در جلسه‌ای سری درباره‌ی برنامه‌ی یهودیان برای سلطه بر جهان بود. این اثر جعلی را می‌توان یکی از منابع **الهام پروتکل‌ها** دانست.

افزون بر این، باید به تبهکاری به نام **میلینگر**، با اسامی مستعار عثمان بی و کبیریدلی زید، اشاره کرد. او یهودستیزی حرفه‌ای بود که از راه نگارش داستان‌هایی درباره‌ی فساد و آدم‌کشی یهودیان امرار معاش می‌کرد. یکی از آثار یهودستیزانه‌ی مهم او **فتح دنیا توسط یهودیان** بود که نظریه‌ای شبیه به **پروتکل‌ها** را ارائه می‌داد.

یکی از باورهای رایج در میان یهودستیزان آن دوران این بود که «**اتحاد جهانی بنی‌اسرائیل**»، سازمان خیریه‌ی یهودی‌ای که در سال ۱۸۶۰ در پاریس تأسیس شد، سرپوشی بر انجمن‌های سری‌ای است که برای سلطه بر جهان نقشه می‌کشند. به احتمال زیاد، نخستین بار این نظریه را یاکوب برِفمان، یهودی روسی که به مسیحیت ارتدکس گرویده بود، در کتاب **انجمن‌های اخوت یهودی، محلی و جهانی (۱۸۶۸)** مطرح کرد. به رغم وجود شباهت‌هایی میان این نظریه و نظریات گُدسکه و دِ موسو، وجه تمایز آرای برِفمان این بود که ادعا می‌کرد انجمن‌های خیریه‌ی یهودی در واقع نقابی بر چهره‌ی جنبش جهانی سری یهودی اند. به نظر او، یکی از این انجمن‌ها، «اتحاد جهانی بنی‌اسرائیل»، که در واقع صرفاً به یهودیان آزاردیده و گرسنه در فرانسه، روسیه و رومانی کمک می‌کرد، کانون اصلی فساد جهانی بود: «شبکه‌ی ائتلاف جهانی یهودی در سراسر زمین گسترده شده است.» هیپولیتوس لوتستانسکی، کشیش کاتولیک خلع لباس شده‌ای که به آیین ارتدکس گرویده بود، این نظریه را بسط داد. او در اثر سه جلدی‌اش **تلمود و یهودیان (۱۸۷۹-۱۸۸۰)** نه تنها به «اتحاد جهانی بنی‌اسرائیل» حمله کرد بلکه با ترکیب چند نظریه‌ی توطئه، نظریه‌ی «کلان‌توطئه»‌ای را ارائه داد که بر اساس آن رهبران یهودی بر فراماسون‌ها هم سلطه داشتند. در نتیجه، چند نظریه‌ی توطئه‌ی مربوط به سلطه‌ی جهانی در روایتی یهودستیزانه به هم آمیخت.

عثمان بی ادعا می‌کرد که رد پای آلیانس (اتحاد) را می‌توان در رویدادهای مهم تاریخی نظیر انقلاب فرانسه دید. مهم‌تر این که او مدعی بود که دشمنان، به رهبری خاخام‌های آلیانس، سرگرم سازمان‌دهی قوا در سراسر روسیه و

اطراف مرزهای این کشورند. تا سال ۱۸۷۵ - پیش از آن که نام کتاب **سخنرانی خاخام** بر سر زبان‌ها افتد - **فتح دنیا توسط یهودیان** به چاپ هفتم رسیده بود. این کتاب به هراس بیمارگونه از قدرت یهودیان و نظریه‌پردازی سیاسی درباره‌ی جهانی عاری از نفوذ یهودیان دامن زد، نفوذی که به ادعای عثمان بی‌ثمره‌ای جز فقر، جنگ، نفرت طبقاتی و انقلاب نداشت.

یکی از دیگر جریان‌های فکری یهودستیزانه‌ای که در شکل‌گیری **پروتکل‌ها** نقش داشت، نظریه‌ی توطئه‌ی ایلومیناتی است. هر چند دو نظریه‌ی توطئه‌ی مربوط به سلطه‌ی یهودیان بر جهان و کنترل دنیا توسط ایلومیناتی را می‌توان از یکدیگر متمایز شمرد اما بسیاری از نظریه‌پردازان توطئه این دو را جزئی از کلان‌توطئه‌ای واحد می‌دانند. جان رابینسن، استاد فلسفه‌ی طبیعی در دانشگاه ادینبورو، را می‌توان خالق نظریه‌ی توطئه‌ی ایلومیناتی دانست. او در سال ۱۷۹۸ با انتشار اثری مدعی شد که «توطئه علیه همه‌ی مذاهب و دولت‌های اروپا» را افشا کرده است. کتاب او از روشنفکری باواریایی به نام آدام وایسهپت سخن می‌گفت که می‌خواست خردگرایی عصر روشنگری را از طریق انجمنی سری به نام انجمن ایلومیناتی که در سال ۱۷۷۶ بنا نهاده بود، ترویج کند. هر چند وایسهپت از سمت استادی قانون شرع در دانشگاه اینگلشوات برکنار و انجمنش سرکوب شد اما به عقیده‌ی رابینسن و عده‌ای دیگر، ایلومیناتی، فراماسون‌ها و دیگر انجمن‌های سری به بسط نفوذ خود برای سلطه بر دنیا ادامه می‌دادند.

چون انجمن‌های سری، به‌ویژه فراماسون‌ها، از مدت‌ها قبل به همدستی با شیطان متهم بودند، بسیاری این نظریه را معقول یافتند. در تاریخ مدرن نظریه‌های توطئه، نقش آبه اگوستن دُ بروئل حتی از جان رابینسن هم مهم‌تر است. اثر پنج جلدی او با عنوان **خاطراتی در شرح تاریخ ژاکوبینسم** (نگارش ۱۷۹۸-۱۷۹۷)، که برخی آن را «مهم‌ترین کتاب توطئه‌نگر همه‌ی اعصار» می‌دانند، اهمیت فراوانی داشت زیرا نیاز به ارائه‌ی نظریه‌ای فراگیر درباره‌ی انقلاب فرانسه را برآورده می‌کرد. این کتاب «ژاکوبین‌ها را به فیلسوف‌ها (ضدمسیحی)، فراماسون‌ها (ضدسلطنت و مخالف مالکیت) و ایلومیناتی (انجمن باستانی حاکم بر فراماسون‌ها) پیوند می‌داد». او مشکل را ناشی از «**طریقت شهبوران معبد**» می‌دانست که، بر خلاف تصور، در سال ۱۳۱۴ میلادی منحل نشده و به صورت انجمنی سری درآمده بود که می‌خواست نظام‌های سلطنتی را منقرض کند، منصب پاپی را برچیند، آزادی بی‌حدومرز را اشاعه دهد، و نظام جمهوری جهانی تحت سلطه‌ی خود را تأسیس کند. به نظر بروئل، این طریقت در میان قدرتمندان نفوذ کرده بود و بر فراماسون‌ها فرمان می‌راند. وی ادعا می‌کرد که کانون قدرت این جنبش فراگیر، سازمان مخفی ایلومیناتی است که با شیطان به طور مستقیم ارتباط دارد. انقلاب فرانسه نمادی از موفقیت این جنبش بود. بروئل می‌گفت اگر جلو ایلومیناتی را نگیرند بر جهان چنگ خواهد انداخت و شرایط برای ظهور دجال آماده خواهد شد. طولی نکشید که این نظریه با نظریات یهودستیزانه درهم‌آمیخت و یهودیان دنیا به طراحی این توطئه متهم شدند. این نظریه‌ی توطئه در صد سال گذشته هواداران فراوانی یافته است. در اکثر نسخه‌های امروزی این نظریه از ارتباط ایلومیناتی با «تثلیث نامقدس» صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی سخن می‌گویند.

بعضی از ایده‌های اصلی پروتکل‌ها را می‌توان در **خاطرات بروئل** یافت. هر چند بروئل از یهودیان نام نمی‌برد و در عوض از دسیسه‌های شیطانی فراماسون‌ها و ایلومیناتی سخن می‌گوید اما آرای او درباره‌ی توطئه را می‌توان در **پروتکل‌ها** باز یافت. شبکه‌های شریر ایلومیناتی و فراماسون‌هایی که در خفا برای دستیابی به قدرت مطلقه نقشه می‌کشند در **پروتکل‌ها** در قالب انجمن قدرتمندی از «بزرگان» یهودی ظاهر می‌شوند که برای سلطه بر جهان توطئه می‌چینند. نظریه پردازان بعدی حتی ادعا کردند که «گروه‌ها» ی نیرومند توطئه‌گران یهودی عامل اصلی انقلاب روسیه بودند.

یکی از دیگر متونی که بر نویسندگان **پروتکل‌ها** تأثیر گذاشت **گفت‌وگوی مونته‌سکیو و ماکیاولی در دوزخ (۱۸۶۴)** اثر موريس ژولی بود. این کتاب -گفت‌وگویی خیالی میان ماکیاولی، مدافع حکومت مطلقه، و مونته‌سکیو، هوادار لیبرالیسم- انتقاد از حکومت استبدادی ناپلئون سوم و ستایش لیبرالیسم است. به نظر نرمن گن، دو پنجم از کل متن **پروتکل‌ها** مبتنی بر کتاب ژولی است؛ در نه فصل از **پروتکل‌ها** نیمی از متن، در بعضی از فصل‌ها سه‌چهارم از متن، و در یک فصل (فصل هفتم) تقریباً کل متن برگرفته از اثر ژولی است. افزون بر این، جز در موارد استثنائی، ترتیب عبارت‌های اقتباسی دست‌نخورده مانده و به نظر می‌رسد که نویسنده‌ی **پروتکل‌ها** به طور مکانیکی صفحه به صفحه عبارت‌هایی از کتاب ژولی را رونویسی کرده است. حتی ترتیب فصل‌ها هم عمدتاً یکسان است -۲۴ فصل **پروتکل‌ها** تقریباً با ۲۵ فصل **گفت‌وگو** همانند است.

جاعل کلمات ماکیاولی، مدافع ناپلئون در **گفت‌وگو**، را در دهان «بزرگ صهیون» بی‌نام‌ونشان گذاشته است. البته این سخنان را از نو در قالب توطئه‌ای یهودستیزانه ریخته است. افزون بر این، بعضی از سخنان مونته‌سکیو را طوری به کار برده که وانمود کند یهودیان مُبدع و مروج آرمان‌های لیبرالیسم بوده‌اند زیرا می‌خواهند غیریهودیان را تضعیف کنند.

ظهور و نفوذ پروتکل‌ها

همان‌طور که پیشتر گفتیم، پلیس مخفی روسیه‌ی تزاری **پروتکل‌ها** را جعل کرد تا با مقصر جلوه دادن یهودیان، که لیبرال‌ها با آنها همدل بودند، افکار عمومی را از فساد و انحطاط خاندان رُمانف منحرف کند و اصلاحات لیبرال‌ها را بی‌اعتبار سازد. احتمالاً این اثر جعلی بین سال‌های ۱۸۹۷ تا ۱۸۹۹ به صورتی شتاب‌زده زیر نظر پیوتر ایوانوویچ راجفسکی، رئیس بخش خارجی پلیس مخفی روسیه، در پاریس نوشته شد. سرانجام، این متن در سال ۱۹۰۳ در روزنامه‌ی **زنامیا** (از ۲۶ اوت تا ۳ سپتامبر) در روسیه منتشر شد. در سال ۱۹۰۵، سرگئی نیلوس (که احتمالاً نسخه‌ی اولیه را از راجفسکی گرفته بود) نسخه‌ی طولانی‌تری را به عنوان ضمیمه‌ی چاپ دوم کتاب خود (**کوچک و بزرگ: ظهور دجال به مثابه‌ی احتمال سیاسی قریب‌الوقوع**) منتشر کرد. او در این کتاب تفسیر آخرت‌شناختی مسیحی‌ای از این توطئه ارائه می‌کند و بزرگان صهیون را به ظهور دجال پیوند می‌دهد. در سال ۱۹۱۷، نیلوس چاپ چهارم این کتاب را منتشر کرد و این بار از هر تسلیل و کنگره‌ی صهیونیستی اوت ۱۸۹۷ در بازل سخن گفت. دعاوی

بی‌اساس مندرج در این نسخه، که توجه مسیحیان دست‌راستی را جلب کرد، نقش بسیار مهمی در تاریخ یهودستیزی داشته است.

از سال ۱۹۱۷ تاکنون پروتکل‌ها بارها در روسیه منتشر شده است. نخستین نسخه‌ی غیرروسی آن در میانه‌های ژانویه‌ی ۱۹۲۰ در آلمان منتشر و با استقبال گسترده‌ای روبرو شد. یهودستیزان آلمانی با استناد به این کتاب همه‌ی مصائب کشور (شکست در جنگ جهانی اول، گرسنگی و تورم ویرانگر) را به گردن یهودیان انداختند. در سال ۱۹۲۹، حق نشر این ترجمه به حزب نازی واگذار شد و تا سال ۱۹۳۳، این ترجمه ۳۳ بار در آلمان چاپ شده بود. در ۳ نوامبر ۱۹۳۹، هیتلر گفت که باید پروتکل‌ها را خارج از آلمان توزیع کرد تا ثابت شود که یهودیان و فراماسون‌ها جنگ را شروع کرده‌اند. هیتلر به شدت از این کتاب متأثر بود. برای مثال، در پاسخ به یکی از مشاورانش که از او پرسید: «آیا در مبارزه‌ی [سیاسی] خود از پروتکل‌ها الهام گرفتید؟» چنین گفت: «بله، بدون شک، و به شدت. از پروتکل‌ها چیزهای بسیار زیادی آموختم.»

در ژانویه یا فوریه‌ی سال ۱۹۲۰، درست پس از انتشار ترجمه‌ی آلمانی پروتکل‌ها، ترجمه‌ی انگلیسی این اثر با عنوان خطر یهودیان در بریتانیا منتشر شد. مقالات روزنامه‌های تایمز (۸ مه ۱۹۲۰) و اسپیکتیتر (۱۵ مه ۱۹۲۰) نشان می‌دهد که این نشریات ابتدا درنیافتند که این اثر جعلی است - هر چند بعداً نامه‌هایی را منتشر کردند که حاکی از جعلی بودن پروتکل‌ها بود. مرنینگ پُست، متأثر از خبرنگار روسی‌اش، ویکتور مارسدن، اصالت این متن به عنوان سندی یهودی را تأیید کرد. اندکی بعد، مارسدن ترجمه‌ی انگلیسی دیگری از پروتکل‌ها را منتشر کرد که به رایج‌ترین ترجمه‌ی انگلیسی این اثر تبدیل شد و هنوز هم به فروش می‌رسد. از ۲۶ ژوئن ۱۹۲۰، هفته‌نامه‌ی هنری فورد، دیرپرن ایندپندنت، هم به انتشار پروتکل‌ها پرداخت. در واقع، از ۲۲ مه ۱۹۲۰، هنری فورد در ۹۱ شماره‌ی پیاپی این هفته‌نامه مقالاتی یهودستیزانه را منتشر کرد تا نشان دهد که «مشکل اصلی جهان»، «یهودی بی‌وطن» است. درون‌مایه‌ی بسیاری از این مقالات اقتباسی آزاد از پروتکل‌ها بود. افزون بر این، در سال ۱۹۲۲، شرکت انتشاراتی فوردگزیده‌ای از این مقالات را با عنوان «یهودی بی‌وطن» منتشر کرد که به شانزده زبان ترجمه شد (ترجمه‌ی آلمانی آن شش بار چاپ شد). هر چند فورد در سال ۱۹۲۷ ادعا کرد که از انتشار این مقالات آگاه نبوده و در ۳۰ ژوئن اتهامات مطرح شده در این مقالات را بی‌اساس خواند اما به نظر کن، «یهودی بی‌وطن» بیش از هر عامل دیگری در شهرت جهانی پروتکل‌ها نقش داشت. بالدور ون شیراک، که سرانجام مسئول سازمان جوانان هیتلری شد، ادعا کرد که پس از مطالعه‌ی «یهودی بی‌وطن» یهودستیز شد. بسیاری از دیگر فاشیست‌ها، از جمله آینار ابرگ، یکی از مهم‌ترین یهودستیزان سوئدی پس از جنگ جهانی دوم، بعد از مطالعه‌ی این اثر جعلی به یهودستیزی روی آوردند.

نخستین ترجمه‌ی فرانسوی پروتکل‌ها اندکی پس از ترجمه‌ی انگلیسی منتشر شد؛ اولین ترجمه‌ی عربی هم در سال ۱۹۲۱ در دمشق منتشر شد. انتشار و ترجمه‌ی این اثر پس از جنگ جهانی دوم ادامه یافت. برای مثال، در سال ۱۹۶۸ «مؤسسه‌ی اسلامی» در بیروت سیصد هزار نسخه از آن را به زبان‌های عربی، ایتالیایی، فرانسوی و

اسپانیایی منتشر کرد؛ این اثر در سال ۱۹۷۴ با عنوان **توطئه‌ی بین‌المللی علیه هندی‌ها** در بمبئی چاپ شد؛ در سال ۱۹۸۷ نخستین ترجمه‌ی ژاپنی **پروتکل‌ها** منتشر شد، و در سال ۱۹۹۴ مسیحیان دست‌راستی آن را در استرالیا چاپ کردند. در واقع، این اثر، به استثنای عبری، به همه‌ی زبان‌های عمده ترجمه شده است.

تأثیر پایدار پروتکل‌ها

هر چند جاعلان **پروتکل‌ها** چندان ماهر نبودند و به سرعت رسوا شدند اما ترجمه و انتشار این اثر ادامه یافته است. تأثیر پایدار **پروتکل‌ها** حاکی از یهودستیزی پنهانی گسترده و علاقه‌ی شدید مردم به نظریه‌های توطئه است. یکی از مشکلات نظریه‌های توطئه این است که به دشواری می‌توان به هواداران سرسخت آنها ثابت کرد که این نظریه‌ها بی‌پایه و اساس‌اند. این افراد برای کاهش ناهماهنگی شناختی خود به سرعت و تقریباً به طور غریزی استدلال‌ها، شواهد و مدارک مخالف را به استدلال‌ها، شواهد و مدارک موافق با نظریه‌ی توطئه تبدیل می‌کنند. برای مثال، هیتلر در **نبرد من** آشکارا می‌گوید که شواهد انبوهی که در تأیید جعلی بودن **پروتکل‌ها** ارائه شده به خودی خود ثابت می‌کند که این اثر اصیل است و گرنه تا این اندازه با آن مخالفت نمی‌کردند! به عبارت دیگر، هواداران نظریه‌ی توطئه در واکنش به اثبات نادرستی این نظریه نتیجه می‌گیرند که مخالفان این نظریه همگی در این توطئه مشارکت دارند و این امر به خودی خود گواه قدرت این نظریه است. بنابراین، عجیب نیست که هنوز بسیاری از مردم **پروتکل‌ها** را سند تاریخی معتبری می‌شمارند.

پیشتر به هم‌پوشانی نظریه‌ی توطئه‌ی یهودیان برای سلطه بر جهان و گفتمان آخرت‌شناختی ظهور دجال اشاره کردیم. نظریه‌های توطئه و نظریه‌های آخرالزمانی از مشکل ناتوانی و درماندگی در برابر تباهی فراگیر خبر می‌دهند. به قول استیفن آلیری، نظریه‌ی توطئه می‌کوشد تعریفی «مکانی» از جامعه‌ای راستین و متمایز از دنیای فاسد اطراف ارائه دهد، در حالی که نظریه‌ی آخرالزمانی رویکردی «زمانی» به معضل شر دارد و از حل قریب‌الوقوع این مشکل سخن می‌گوید. نظریه‌ی توطئه ممکن است از دیدگاهی تاریخی به معضل شر بنگرد و از مبارزه برای نابودی اشرار دفاع کند اما اگر توطئه را فوق‌العاده نیرومند بیندارد هوادارانش را به انزوای اجتماعی فرامی‌خواند تا دامن به شر نیالیند. در این صورت، تنها با عقیده به مداخله‌ی خداوند در روند تاریخ می‌توان از ناامیدی مطلق گریخت.

علت همگرایی آخرت‌شناسی و توطئه را در همین امر باید جست. یکی از محبوب‌ترین کتاب‌هایی که درباره‌ی ایلومیناتی منتشر شده **نظم نوین جهانی** (۱۹۹۱) اثر پیت رابرتسن است که تاکنون چند صد هزار نسخه از آن چاپ شده و نه تنها در کتاب‌فروشی‌های مسیحی بلکه در کتاب‌فروشی‌های عمده هم می‌توان آن را یافت. کسانی که از آخرت‌شناسی پیشاهزاره‌گرا و نظریه‌های توطئه‌ی غربی آگاهی دارند، دنیای رابرتسن را آشنا می‌یابند. به نظر

⁴ Cognitive dissonance

این احساس ناخوشایند زمانی به وجود می‌آید که فرد به طور هم‌زمان به دو باور متضاد عقیده دارد. بسیاری از افراد می‌کوشند با انکار، توجیه یا اتهام این احساس ناخوشایند را کاهش دهند.

رابرتسن، از یک سو، خدا در آینده دخالت خواهد کرد و بساط شر را برخواهد چید، و از سوی دیگر، نفوذ فزاینده‌ی شر در دنیای امروز بی‌دلیل نیست. انجمن‌های سرّی نقشه‌کشیده‌اند که دولتی جهانی تشکیل دهند، دولتی که با مسیحیت مبارزه خواهد کرد، آزادی‌های آمریکایی را از بین خواهد برد، دجال را تقویت و نبرد آخرالزمان را تسریع خواهد کرد. رابرتسن نمونه‌ی خوبی از سرهم‌بندی‌کننده‌ی بنیادگرا است. او نه تنها همچون بنیادگرایانی نظیر ویلیام استیل و تکیسی مارس از نظریه‌پردازان توطئه‌ی ایلومیناتی است بلکه نشانه‌هایی از یهودستیزی ضمنی هم در آثارش وجود دارد. در آثار رابرتسن نقل قول‌های فراوانی از دانشمندان و مفسران امور اجتماعی و فرهنگی به چشم می‌خورد اما آشکار است که با اندیشه‌ی این صاحب‌نظران آشنا نیست. به عبارت دیگر، او صرفاً هر سخنی را که با نظریه‌ی توطئه‌اش همخوان بوده در آثارش گنجانیده بی‌آنکه در باب آن آرا به اندازه‌ی کافی مطالعه کرده باشد: انجمن ایلومیناتی با رخنه در میان فراماسون‌ها انقلاب فرانسه را به راه انداخت؛ انجمن ایلومیناتی به مارکس و انگلس سفارش داد که **مانیفست حزب کمونیست** را بنویسند؛ کمونیسم زائیده‌ی روشنفکران یهودی آلمانی بود که با کمک مالی یاکوب شیف انقلاب روسیه را به راه انداختند؛ انجمن ایلومیناتی از طریق بانکداری یهودی به نام پل واربورگ بانک مرکزی ایالات متحده‌ی آمریکا را تأسیس کرد؛ «سرمایه‌گذاران اروپایی» یهودی بودجه‌ی تأسیس نظم نوین جهانی شیطانی را تأمین می‌کنند؛ برای فهم همه‌ی این ادعاها باید به پیشگویی‌های کتاب مقدس توجه کرد. بر خلاف نویسندگان **پروتکل‌ها**، رانه‌ی اصلی رابرتسن نه یهودستیزی بلکه میلی پشاهزاره‌گرا به کاربرد پیشگویی‌های کتاب مقدس و افشای دسیسه‌های دجال است. با وجود این، بعضی از مضامین اصلی **پروتکل‌ها** درباره‌ی توطئه‌ی ایلومیناتی را در آثار رابرتسن می‌توان یافت.

اما دیگر نویسندگان و سازمان‌ها به صورت بسیار فعال‌تری از **پروتکل‌ها** استفاده کرده‌اند. برای مثال، پدر چارلز کافلین، کشیش کاتولیک فاشیستی که در دهه‌ی ۱۹۳۰ در آمریکا به شهرت رسید، از هواداران پُرشور این اثر جعلی بود. او با استناد به **پروتکل‌ها** رکود بزرگ، فساد نظام بانکی بین‌المللی، و گسترش کمونیسم را ناشی از دسیسه‌های شیطانی یهودیان می‌دانست. هواداران کافلین **پروتکل‌های بزرگان صهیون** را به صورت پاورقی در نشریه‌ی ادواری **عدالت اجتماعی** منتشر کردند، و خود او هم به یهودیان فعال در دولت روزولت حمله می‌کرد. افزون بر این، وی حامی تشکیل «جبهه‌ی مسیحی»، شبکه‌ای از واحدهای شبه‌نظامیان دست‌راستی، بود و در آغاز جنگ جهانی دوم، از «نظم نوین» مورد نظر هیتلر حمایت می‌کرد. بعضی از شواهد حاکی از آن است که جیمز گری، مدیر «مؤسسه‌ی کتاب مقدس مودی» و سردبیر ماه‌نامه‌ی **مودی مانتلی**، هم از هواداران این اثر جعلی بود. الیزابت دیلینگ، یهودستیز نازی‌ستا، که خود از مروجین **پروتکل‌ها** بود، به گری بسیار احترام می‌گذاشت و در کتابش با عنوان **دین یهودی: نفوذ امروزی آن** (۱۹۶۴)، پاسخ گری به عذرخواهی فورد از انتشار مقالات یهودستیزانه در **دیپربورن ایندپندنت** را نقل می‌کند: «به عقیده‌ی ما مقاله‌هایی که [آقای فورد] درباره‌ی یهودیان منتشر کرد، مستدل بود... در

⁵ Bricoleur

واقع، فشاری که به آقای فورده وارد شد تا به اشتباه خود اقرار کند، صحت مطالب منتشر شده را تأیید می‌کند. عامل این فشار یهودیان سراسر جهان بودند، و آقای فورده در برابر آن وحشت‌زده شد.»

دیلینگ در ادامه می‌افزاید که «دکترگری می‌دانست که از چه سخن می‌گوید زیرا خودش هم از سوی یهودیان تهدید شده بود. اما سر حرف خود ماند که پروتکل‌های صهیون حاکی از نقشه‌ی یهودیان تلمودی جهان است.» بسیاری از دیگر سازمان‌های دست‌راستی مسیحی هم در همین مسیر گام برمی‌دارند. برای مثال، سازمان «مؤمنان کتاب مقدس» ضمن تأکید بر یهودی نبودن مسیح، نسخه‌هایی از آثار یهودستیزانه‌ای همچون **یهودی بی‌وطن و پروتکل‌ها** را در فضای مجازی عرضه می‌کند. از میان دیگر سازمان‌های مروج **پروتکل‌ها** می‌توان از «اتحادیه‌ی دفاع از مسیحیان»، «انجمن جان برچ»، «پسران آزادی»، «نهضت ملی مسیحی» و «خدمات آموزشی مسیحی بین‌المللی» نام برد.

ظهور مجدد پروتکل‌ها در دنیای اسلام

هواداران نظریه‌های توطئه‌ی مبتنی بر **پروتکل‌ها** به مسیحیان دست‌راستی محدود نمی‌شوند. بسیاری از دولت‌های مسلمان و جنبش‌های اسلامی معاصر هم روایت‌های **پروتکل‌ها** را به طور کامل پذیرفته‌اند. سر جان‌اتان سکس، خاخام اعظم وقت یهودیان بریتانیا، در برنامه‌ی «یکشنبه» شبکه‌ی چهار رادیو بی‌بی‌سی از «سونامی یهودستیزی» در سراسر جهان سخن گفت. هر چند او به صراحت به **پروتکل‌ها** اشاره نکرد و صرفاً از انکار هولوکاست نام برد اما گفت که از سخنان رئیس‌جمهور وقت ایران، محمود احمدی‌نژاد، که هولوکاست را افسانه خوانده، تعجب نکرده زیرا چند سال است که انکار هولوکاست و دیگر صورت‌های یهودستیزی در کتاب‌های پرفروش و برنامه‌های پربیننده‌ی تلویزیونی در «بخش‌هایی از جهان» رایج شده است.

هر چند خاخام اعظم از اشاره به اسم این کشورها خودداری کرد اما نام بردن از ایران حاکی از آن است که منظور او کشورهای اسلامی بود. بی‌تردید وی از سخنرانی ماهاتیر محمد، نخست‌وزیر وقت مالزی، در اکتبر ۲۰۰۳ آگاه بود. ماهاتیر محمد در این نطق به رهبران بیش از پنجاه کشور مسلمان اعلام کرد که «اروپایی‌ها شش میلیون از دوازده میلیون یهودی را کشتند اما امروز یهودیان از طریق دست‌نشانندگان‌شان بر دنیا حکم می‌رانند. آنها دیگران را به مبارزه و مرگ در راه خود گماشته‌اند.» هر چند ماهاتیر محمد هولوکاست را انکار نکرده اما سخنان او نشان می‌دهد که به نظریه‌ی سلطه‌ی جهانی یهودیان باور دارد. اعضای خاندان سلطنتی عربستان سعودی معمولاً نسخه‌ای از **پروتکل‌ها** را به مهمانان خود هدیه می‌دهند؛ در سال ۲۰۰۲، تلویزیون دولتی مصر برنامه‌ای مبتنی بر **پروتکل‌ها** را پخش کرد که در سراسر کشورهای اسلامی بازپخش شد؛ مصطفی طلاس، وزیر دفاع وقت سوریه، در کتاب خود به خوانندگان اطمینان می‌دهد که یهودیان در مناسک دینی خود خون می‌نوشند؛ در کتاب‌های درسی در عربستان سعودی، اشاره‌های گوناگونی به **پروتکل‌ها** وجود دارد بی‌آن‌که از جعلی بودن آن سخن بگویند؛ مطبوعات عربی و فارسی،

یهودیان را عامل ترور رهبران عرب، جنگ در عراق، و حاکم بر هالیوود، مطبوعات، اقتصاد و منابع جهان می‌خوانند. نه تنها فعالان فلسطینی و روحانیون تندرو بلکه مسلمانان میانه‌روتر هم به پروتکل‌ها استناد می‌کنند. برای مثال، هشام جابر، رئیس «مرکز خاورمیانه برای مطالعات رسانه‌ای و روابط عمومی» در ۱۱ ژوئیه ۲۰۰۵ در شبکه‌ی تلویزیونی المنار، متعلق به حزب‌الله، اعلام کرد که «بزرگان صهیون» عهد جدید را تحریف کرده و حتی کوشیده‌اند که قرآن را جعل کنند. در ۲۲ آوریل ۲۰۰۴، دبیرکل انجمن دانشگاه‌های اسلامی در همین شبکه ظاهر شد و بخش‌هایی از پروتکل‌ها را نقل کرد که از یهودیان می‌خواهد «فساد را در همه‌ی جوامع بشری گسترش دهند تا بتوانند حکم رانند. همه‌ی فیلم‌های هرزه‌نگارانه‌ی دنیا را شرکت‌های یهودی می‌سازند، و همین امر در مورد مواد مخدر هم صادق است.» افزون بر این، در ۱۴ ژوئیه ۲۰۰۴، شبکه‌ی خبر تلویزیون جمهوری اسلامی ایران از انتشار کتابی درباره‌ی پروتکل‌ها توسط سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران خبر داد. در این برنامه‌ی خبری ضمن نقل عبارت‌هایی از پروتکل‌ها ادعا شد که یهودیان عقیده دارند برای سلطه بر جهان به طلا و رسانه‌های بین‌المللی نیاز دارند.

برنارد لوییس می‌گوید نویسندگان عرب زبانی که به یهودیان می‌پردازند معمولاً به پروتکل‌های صهیون استناد می‌کنند. او می‌افزاید که تاکنون ندیده که هیچ نویسنده‌ی عرب زبانی ادعای هم‌زبانان خود درباره‌ی اصالت پروتکل‌ها را رد کند. به نظر لوییس، مسلمانان در برابر پیشرفت غرب احساس حقارت می‌کنند و می‌خواهند افول تمدن اسلامی را به گردن یهودیان بیندازند. ران جیوز با این تحلیل موافق نیست زیرا بسیاری از جنبش‌های تندرو اسلامی نه تنها به شدت یهودستیزند بلکه از جهانی‌شدن سرمایه‌داری مصرفی، سکولاریسم، و دموکراسی غربی هم به شدت انتقاد می‌کنند. به نظر جیوز، برای مسلمانان انتقاد از اسلام بسیار دشوار است زیرا بر اساس آموزه‌های قرآنی، پیروزی اسلام قطعی است. به نظر اکثر مسلمانان، پیروزی و موفقیت در این جهان گواه صدق ادعای ختم نبوت و نشانه‌ی عنایت و نصرت الهی است. مسلمانان نمی‌توانند ناکامی مادی و سیاسی خود را ناشی از بسته شدن ابواب رحمت الهی بدانند. بنابراین، معقول است که از خود انتقاد کنند. جیوز به ما یادآوری می‌کند که بر خلاف مسیحیان، روابط مسلمانان با یهودیان پیش از تأسیس کشور اسرائیل مبتنی بر نوعی همزیستی مسالمت‌آمیز بود.

در تحلیل ظهور مجدد پروتکل‌ها در دنیای اسلام نباید نزاع میان اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها را نادیده گرفت. سابقه‌ی بخش عمده‌ای از یهودستیزی در جهان اسلام به سال ۱۹۴۸ بازمی‌گردد. البته روشنفکران میانه‌روتر فلسطینی دریافته‌اند که اقتباس از نظریه‌های یهودستیزانه‌ی قرن نوزدهمی و بیستمی به سود آنها نیست. برخی از آنها، از جمله دکتر العطیه، مدیر «مرکز پژوهش‌های فلسطین» در بیروت، و عبدالوهاب الکیالی، از اعضای برجسته‌ی «سازمان آزادی‌بخش فلسطین» در دمشق، در اصالت پروتکل‌ها تردید کرده‌اند. با وجود این، باید اقرار کرد که رونق پروتکل‌ها در جهان اسلام در نیمه‌ی دوم قرن بیستم، درست مقارن با بی‌اعتبارشدنش در اروپا، نشان می‌دهد که این اثر یکی از موفق‌ترین و بدنام‌ترین جعلیاتی است که در دوران مدرن به گروهی از دین‌داران نسبت داده‌اند.

برگردان و بازنویسی: عرفان ثابتی

